



احیایاگر فر هنگ مکتوم



بنیاد اندیشه

تاسیس ۱۳۹۲

درنگی بر پژوهش های محمد جواد خاوری در حوزه فولکلور هزاره ها



حمزه واعظی

اهمیت جامعه‌شناختی فولکلور و پژوهشگری فرهنگ

فرهنگ عامیانه مهمترین منبع شناخت و تحلیل فرهنگی- اجتماعی جوامع می‌باشد. اهمیت مردم‌شناسی و ارزش جامعه‌شناختی پدیده فولکلور، ناشی از داده‌ها و عناصری می‌باشند که حوزه‌های مختلف روابط اجتماعی، هنجارها، سنت‌ها، رسم‌ها، ارزش‌ها، آیین‌ها، طبقه‌بندی‌های اجتماعی، خصوصیات رفتاری، اعتقادات، باورها، الگوهای اخلاقی و شناسه‌های مذهبی، اعتقادی و اسطوره‌ای یک جامعه را آدرس می‌دهند. بدین‌رو، برای جامعه‌شناسان و مردم‌شناسان، مراجعه به فرهنگ عامیانه، دریچه گسترده و روشنی می‌گشاید تا با شناخت از عناصر و جزئیات فرهنگ و ادبیات عامیانه به تحلیل مردم‌شناسانه و تبیین جامعه‌شناسانه از پدیده‌ها و سوژه‌هایی بپردازند که در سنت علمی و متد پژوهشی این دو رشته کاربرد دارد.

اهمیت مطالعه فولکلور، زمانی درک می‌شود که سرعت و شدت تغییرات امروزه جوامع را به سمت دنیای مدرن درک کنیم. امروزه تأثیر شگرف دست‌آوردهای تکنولوژی ارتباطی و رسانه‌ای را روی فرهنگ و ارزش‌ها و گفتمان اجتماعی جوامع و به ویژه نسل‌های جدید به خوبی شاهدیم. سرعت و شعاع هم‌رسانی فرهنگ‌ها و نمادهای مدرن تا دورترین و خلوت‌ترین زوایای زندگی فردی و جمعی جوامع حتا در دور افتاده‌ترین قریه‌ها رسیده است. هرچه این شعاع گسترده‌تر گردد، روند فراموشی و تخریب داده‌ها و عناصر فرهنگ عامیانه سریع‌تر و جدی‌تر اتفاق می‌افتد. از همین‌رو، پرداختن به فرهنگ توده و تلاش برای تدوین، تفسیر و طبقه‌بندی آن می‌تواند از یکسو به امر حفظ و به حافظه‌سپردن این عناصر کمک کند و از سوی دیگر، به شناخت خصوصیات فرهنگی، اجتماعی، اخلاقی و حتا تاریخی یک جامعه یاری رساند.

هزاره‌ها و گستره فرهنگ عامیانه

هزاره‌ها را شاید به دلیل سابقه تاریخ سیاسی و زبانی و الگوی متفاوت زندگی جمعی‌شان بتوان صاحب غنی‌ترین ادبیات شفاهی و فرهنگ توده‌ای دانست. انزوای تاریخی و قرارگرفتن در جغرافیای محصور و متروک، تأثیر پیچیده و گسترده‌ای روی خلق خصوصیات اجتماعی و تولید فرهنگ و ادبیات شفاهی پر دامنه این مردم داشته است. ناگزیری‌های اقلیت بودن، سبک زندگی اجتماعی، سطح بینش جمعی و سامانه زیست‌محیطی متفاوتی را برای هزاره‌ها ایجاد کرده است. مجموعه این شرایط در شکل‌گیری ادبیات شفاهی، تولید مفاهیم اجتماعی و تکوین فرهنگ، دانش، ارزش، هنر و سازمان رفتاری و فکری ویژه‌ای برای این مردم نقش گرفته است تا در پرتو این عناصر اولاً حیات جمعی‌شان معنا پیدا

کند و ساده‌تر گردد و دوماً مرز مشخص و هویت مشخص نسبت به سایر همسایگان و هموطنان سیاسی خویش پدید آورند.

بنابراین، هزاره‌ها مانند سایر اقوام و در مواردی، شدیدتر از آن‌ها از فقدان کار، کتاب راه و دوری از جهان مدرن و از فقر و تاریکی و ظلم سیاسی رنج برده‌اند و از نبود مدرسه و آموزش و دکان و مظاهر عصر جدید همواره محروم بوده‌اند. بدین‌رو، مجموعه این ناکامی‌ها و نابخورداری‌ها در شکل‌گیری هنجارها، ارزش‌ها، روابط اجتماعی، رواج‌ها، سنت‌ها و رفتارهای شان نقش داشته و در فرآیند تعامل درون‌گروهی، نگاه بیرون‌گروهی، جهان‌شناسی، رابطه با طبیعت، اقتصاد، اسطوره‌ها و افسانه‌های ذهنی، کارکرد ذهن، تخیل، درک و خلاقیت ادبی- هنری، حالت‌های روانی، عشق‌ورزی و آرزوها و نظام اخلاقی‌شان تبلور پیدا کرده است. بدین‌رو، دوبیتی‌ها، قصه‌ها، افسانه‌ها و مثال‌ها، قالب‌های ادبی، هنری و فرهنگی بوده‌اند برای بیان همه آن عناصر و مفرداتی که در زندگی فردی و جمعی‌شان به شکل روزمره و تاریخی جریان داشته است.

خاوری و احیای فرهنگ توده

جواد خاوری را به اعتبار سه معیار حجم، تنوع در مضمون و کیفیت و علمیت کار شاخص‌ترین پژوهشگری دانست که در حوزه فولکلور هزاره‌ها تحقیق و تولید کرده است.

تقریباً تمام پژوهشگران غیر هزاره‌ای که در حوزه ادبیات شفاهی و فرهنگ عامیانه در افغانستان کار و آثار داشته‌اند، اختصاصاً در مورد فرهنگ عامیانه هزاره‌ها آثار و پژوهش‌های مستقل و جداگانه‌ای نداشته‌اند. ادبیات شفاهی رایج در میان هزاره‌ها، بخشی از موضوع فعالیت‌های پژوهشی محققان غیر هزاره بوده که در مجموعه آثارشان در این حوزه به عنوان یک مثال در جمع سایر مثال‌ها پرداخته شده است. بدین‌رو، کار خاوری می‌تواند مهمترین، جدی‌ترین و مستقل‌ترین کار در حوزه شناخت، تدوین و تألیف ادبیات شفاهی جامعه هزاره به حساب آید.

حجم کار

خاوری از نظر حجم تألیف، نسبت به سایر پژوهشگران این حوزه، بیشترین راندمان تولید را داشته است. او در طول دو دهه کار پژوهشی، چهار عنوان کتاب تألیف و منتشر نموده است:

۱. پشت کوه قاف، ۱۳۷۶، قم، ۳۰۰ صفحه؛
 ۲. قصه‌های هزاره‌های افغانستان، ۱۳۷۸، تهران، شامل ۷۳ قصه عامیانه، ۵۵۵ صفحه؛
 ۳. امثال و حکم مردم هزاره، ۱۳۸۰، تهران، ۵۵۳ صفحه؛
 ۴. دوبیتی‌های عامیانه هزارگی، ۱۳۸۲، تهران، ۵۷۳ صفحه.
- تألیفات خاوری مجموعاً نزدیک به دو هزار صفحه می‌گردد؛

تقریباً تمام پژوهشگران غیر هزاره‌ای که در حوزه ادبیات شفاهی و فرهنگ عامیانه در افغانستان کار و آثار داشته‌اند، اختصاصاً در مورد فرهنگ عامیانه هزاره‌ها آثار و پژوهش‌های مستقل و جداگانه‌ای نداشته‌اند. ادبیات شفاهی رایج در میان هزاره‌ها، بخشی از موضوع فعالیت‌های پژوهشی محققان غیر هزاره بوده که در مجموعه آثارشان در این حوزه به عنوان یک مثال در جمع سایر مثال‌ها پرداخته شده است. بدین‌رو، کار خاوری می‌تواند مهمترین، جدی‌ترین و مستقل‌ترین کار در حوزه شناخت، تدوین و تألیف ادبیات شفاهی جامعه هزاره به حساب آید.

تنوع در حوزه سوزه

خاوری در تمام سه حوزه مهم ادبیات شفاهی یعنی: قصه هزارگی، دوبیتی هزارگی و امثال و حکم هزارگی کار کرده است. انتخاب این سوزه‌ها و پژوهش جدی در همه این مضامین، وی را در جایگاه نخستین پژوهشگری می‌نشانند که در همه شاخه‌ها و عناصر مهم ادبیات شفاهی هزاره‌ها آثار جدی و مستقل تولید کرده است. بدین رو، پژوهش‌های خاوری می‌تواند به یک مجموعه منسجم و پیوسته‌ای تشبیه گردد که اساسا در حوزه دانشنامه‌نویسی رایج است. به تعبیر بهتر، آثار خاوری را می‌توان یک دایره‌المعارف مکتوب از فرهنگ شفاهی جامعه هزاره دانست که دستمایه و منبع مهم، مستند و منسجمی در اختیار سایر پژوهشگران فرهنگ عامه قرار می‌دهد.

الگوی متدنیاد

خاوری در مجموعه آثار پژوهشی و آفرینشی‌اش نشان می‌دهد که با دلبستگی و تعهدی که نسبت به تألیف فرهنگ عامیانه هزاره‌ها داشته، کارش را صرفا از روی ذوق جوانی، سلیقه شخصی و عاطفه قومی انجام نداده است. او پیش از پرداختن به پژوهش، روند فراگرفتن متد علمی و مطالعه آکادمیک این رشته را به انجام رسانیده است. بدین رو، آثاری را که در این حوزه خلق کرده، آراسته به الگوی متدیک و معیارهای علمی و آکادمیک می‌باشد.

گزینش قصه‌ها، مثل‌ها و دوبیتی‌ها نیازمند تجربه پژوهشگری، مطالعات تاریخی و مردم‌شناسی است. خاوری پشتوانه ادبی، مهارت متدیک و آشنایی کافی با دانش تدوین و تألیف فولکلور و فرهنگ شفاهی حوزه مطالعاتی‌اش دارد. پژوهش‌های فولکلوریک ضمن آن که نیازمند داشتن ذوق و شوق فرهنگی می‌باشد، اساسا یک کار پژوهشی-علمی به شمار می‌رود که مرتبط است با دانش جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی. مطالعه و بررسی آثار خاوری بیانگر آن است که او با سال‌ها پژوهش، مطالعه و اندوخته‌های ادبی، اجتماعی و تاریخی، آثاری پدید آورده است که می‌تواند منبع پژوهش‌های آکادمیک در مراکز علمی و مردم‌شناسی قرار گیرد.

دقت، احتیاط و سخت‌گیری در انتخاب مواد مورد پژوهش در مجموعه آثارش به خوبی نشان‌دهنده شناخت عمیق وی از فرهنگ مردم هزاره و تسلط‌اش بر دانش ادبی و مبانی و عناصر فولکلور می‌باشد. توانایی علمی، تسلط بر متد پژوهشی و نیز مطالعاتش در حوزه ادبیات فارسی، کمک کرده است که خاوری آثاری پدید بیاورد منطبق با استانداردهای پژوهش‌های علمی در حوزه فرهنگ عامه.

نوشتن مقدمه‌های فخیم و عالمانه‌ای که حاوی شرح روش و موضوعات و اسلوب علمی کار در حوزه‌های دوبیتی، قصه و امثال می‌باشد، نشان می‌دهد که او به خوبی بر قواعد پژوهش علمی و فنون متدولوژیک رشته مطالعاتی‌اش مسلط است.

از این رو از نظر حجم، برابری می‌کند با تقریبا نیمی از تولیدات ده پژوهشگری که در زمینه فرهنگ شفاهی هزاره‌ها کار کرده‌اند.

به طور مقایسه می‌توان آن دسته از نویسندگان هزاره‌تبار را که در حوزه ادبیات شفاهی هزاره‌ها به صورت مستقل کتاب تألیف نموده‌اند، در فهرست ذیل نام برد:

۱. شاه علی اکبر شهرستانی، «قاموس لهجه دری هزارگی»، ۱۳۶۱، کابل، ۳۸۷ صفحه؛

۲. حاج کاظم یزدانی، «فرهنگ طوایف هزاره»، ۱۳۷۱، مشهد، ۲۳۹ صفحه؛

۳. علیداد لعلی، «سیری در هزاره‌ها»، ۱۳۷۲، قم؛ (این کتاب عمدتاً بررسی جامعه‌شناختی از فرهنگ

اجتماعی شامل سنت‌ها، گروه‌بندی‌های درون‌قومی، تقسیم‌بندی طوایف، روابط اجتماعی، نقش مذهب، گروه‌های مرجع، آیین‌ها، باورها و الگوهای اخلاقی و... می‌باشد. از صفحه ۴۹ تا ۷۷ یعنی ۲۸ صفحه پیرامون ریشه‌یابی لهجه هزارگی و خصوصیات گرامری و ترکیبی آن و نیز تهیه جدولی از واژگان و ذکر حالت دستوری و معادل فارسی لغات، اختصاص داده شده است.)

۴. حاج محمدیوسف امین، «مثل‌های هزارگی»، ۱۳۷۶، تهران، ۵۵۸ صفحه؛

۵. محمد اکبر شهرستانی، «ضرب‌المثل‌های هزارگی»، کویت، ۱۳۷۸؛

۶. حسینعلی یوسفی، «فرهنگ ادبیات هزارگی، (ضرب‌الامثال و محاورات)، ۱۳۸۹، کویت، لاهور، تقریبا ۷۰۰ صفحه؛

۷. شوکت علی محمدی شاری، «دُر اوستایی در صدف لهجه هزارگی»، ۱۳۹۲، کابل، صفحه ۲۹۶؛

(این کتاب با رویکرد هویتی-تاریخی تلاش دارد نخست با ارائه فرضیه نسبت داشتن انسان هزاره با نژاد آریانی، مفروضه آریانی تبار بودن، اصالت بومی و قدامت تاریخی هزاره‌ها را ثابت کند و در قدم دوم، با مطالعات تطبیقی و شواهد استدلالی، می‌کوشد بین لهجه هزارگی و زبان اوستایی نسبت خویشاوندی برقرار سازد.)

۸. حفیظ شریعتی سحر، «فرهنگ شفاهی مردم هزاره»، ۱۳۹۳، کابل، ۶۶۲ صفحه؛

۹. «گویش هزارگی»، ۱۳۹۵، کابل؛

۹. عباس دلجو، «ادبیات فولکلوریک هزارگی»، ۱۳۹۴، کابل، ۶۵۵ صفحه؛

۱۰. زیب‌النساء علیخان؛ «جامع‌اللغات هزارگی سلطانی»، ۱۳۹۲، کویت، ۶۶۲ صفحه؛

۷. «فرهنگ تطبیقی گویش هزارگی با ۴۸ گویش فارسی و ۷ زبان»، ۱۳۹۴، کویت.

پژوهش‌های خاوری می‌تواند به یک مجموعه منسجم و پیوسته‌ای تشبیه گردد که اساسا در حوزه دانشنامه‌نویسی رایج است. به تعبیر بهتر، آثار خاوری را می‌توان یک دایره‌المعارف مکتوب از فرهنگ شفاهی جامعه هزاره دانست که دستمایه و منبع مهم، مستند و منسجمی در اختیار سایر پژوهشگران فرهنگ عامه قرار می‌دهد.



آوانگاری و آوردن معادل فونوتیک، شرح معنا، توضیح مفاهیم و مستند نمودن امثال با نمونه‌های آثار کهن ادبی از شاخص‌ترین متدهای آکادمیک، دقت علمی و دانش‌ورزی پژوهشگرانه است که آثار خاوری را مستند، محکم و معیارمند می‌سازد.

چالش‌های مطالعاتی

ارزش و اهمیت کارهای خاوری را زمانی در می‌یابیم که بدانیم او از کودکی آواره شده و از متن فولکلور اصیل هزارگی دور بوده است. بدین رو، او در مسیر مطالعات و پژوهش‌هایش با دو چالش اساسی مواجه بوده است:

۱. با آن که در یک خانواده هزاره کلان شده اما در محیط آموزشی، گفتاری، فرهنگی، شهری و جغرافیایی و در تعامل با مردمانی کاملاً متفاوت پرورش یافته است. پرورش یافتن و آموختن در متن فرهنگ متفاوت و فضای شهری و لهجه‌های متفاوت‌تر، می‌تواند چالش جدی برای حفظ دانسته‌های اجتماعی و سنت‌ها و عناصر بومی و فولکلوریک یک گروه قومی-اجتماعی ایجاد کند. این که با تمام این چالش‌ها، خاوری علاقه‌مندی به فرهنگ عامه مردمانش را از دست نداده، خود، کار و پیکار سترگی به شمار می‌آید.

۲. کیفیت و کمیت کارهایی را که خاوری در زمینه حفظ و تدوین فرهنگ عامیانه انجام داده، اساساً مستلزم وجود یک گروه پژوهشی و برخوردار از هزینه‌ها و حمایت‌های یک مؤسسه بزرگ رسمی و دولتی می‌باشد؛ خاوری اما به تنهایی و با پول شهریه طلبگی‌اش این تحقیقات بزرگ و گسترده را به انجام رسانیده است. هرچند او در سال‌های پسین، فرصت کرده است برای تکمیل و تداوم کارهای پژوهشی‌اش در مناطق هزاره‌ها سفر کند اما تقریباً بیشترین مواد کاری و نمونه‌های پژوهشی‌اش را در دوره مهاجرت و از میان هزاره‌های مهاجر مقیم ایران گرد آوری نموده است.

۳. چالش مهم دیگری که بر سر کار پژوهشی خاوری بوده، اولاً فرایند گزینش و طبقه‌بندی عناصر فولکلوریک هزاره‌ها در پرتو محدودیت‌های فراوان ناشی از مهاجر بودن در ایران و نیز پراکندگی مناطق مورد سکونت مهاجرین هزاره و دوما تلاش برای حفظ و گزینش و تفکیک اصالت و سلامت این عناصر بوده که می‌توانست بر نتیجه پژوهش‌ها اثر بگذارد. خاوری اما در آثارش نشان داده که این چالش‌های پر شمار نتوانسته‌اند بر نتیجه کمی و سلامت علمی کارش تأثیر مهمی داشته باشند.

فصل‌گشایی

فرایند فولکلور پژوهشی هزاره‌ها را بر مبنای ارزش‌گذاری علمی و مطالعات روشمند می‌توان به دو دوره قبل از خاوری و بعد از خاوری تقسیم نمود.

پیش از خاوری، شماری از پژوهشگران هزاره تبار مانند شاه علی اکبر شهرستانی، حاج کاظم یزدانی، حاج یوسف

امین، محمد اکبر شهرستانی و علیداد لعلی در زمینه فرهنگ عامیانه هزاره‌ها آثار مستقلی تألیف و منتشر نموده‌اند که هر کدام به بخشی از عناصر فولکلوریک می‌پردازند. واقع‌بینانه باید گفت به جز ارزش طبقه‌بندی و فیش‌وارگی این آثار، از نظر علمی و متودیک، خیلی قابل مراجعه و استناد نیستند. در این میان، تنها شاه علی اکبر شهرستانی به دلیل تخصص و جایگاه آکادمیک خود به عنوان استاد دانشکده زبان و ادبیات کابل، در «قاموس لهجه هزارگی» از متد علمی در تألیف کتاب‌هایش بهره گرفته است. او علاوه بر روشمندی در انجام این تحقیق، نزدیک به ۲۶ سال مطالعات میدانی روی لهجه‌های هزارگی انجام داده است.

خاوری اما نخستین پژوهشگری است که فصل تازه در حوزه فولکلور پژوهشی با گرایش متودیک و دید آکادمیک می‌گشاید و چنان که گفته شد، در تمام حوزه‌های ادبیات شفاهی هزاره‌ها آثار روشمند تولید می‌کند. بنابراین، پژوهشگرانی مانند عباس دلجو، حفیظ شریعتی و بانو زبیب النساء علیخان که پس از خاوری به تحقیق و تألیف رو آورده‌اند، اگر نگوئیم الگوی پژوهشی خاوری را دنبال کرده‌اند؛ حداقل می‌توان ادعا نمود که از شیوه کار او الهام گرفته و از فرایند پژوهشگری «متدبنیاد» وی تأثیر پذیرفته‌اند.

در آخر قابل یادآوری است که پژوهش‌های خاوری را نباید پایان‌فته تلقی کرد. او اگر چند از لحاظ جغرافیایی کمی تا قسمتی از متن جغرافیایی دور شده است، ولی چشم امیدهای بسیاری در راستای پژوهش فرهنگ عامیان به او دوخته شده است. به امید کارهای تحقیقی و آفرینشی بیشتر از این نویسنده و پژوهشگر ارجمند.

پیش از خاوری، شماری از پژوهشگران هزاره‌تبار مانند شاه علی اکبر شهرستانی، حاج کاظم یزدانی، حاج یوسف امین، محمد اکبر شهرستانی و علیداد لعلی در زمینه فرهنگ عامیانه هزاره‌ها آثار مستقلی تألیف و منتشر کرده‌اند که هر کدام به بخشی از عناصر فولکلوریک می‌پردازند. واقع‌بینانه باید گفت به جز ارزش طبقه‌بندی و فیش‌وارگی این آثار، از نظر علمی و متدیک، خیلی قابل مراجعه و استناد نیستند. در این میان، تنها شاه علی اکبر شهرستانی به دلیل تخصص و جایگاه آکادمیک خود به عنوان استاد دانشکده زبان و ادبیات کابل، در «قاموس لهجه هزارگی» از متد علمی در تألیف کتاب‌هایش بهره گرفته است.